

### اشاره

برای این که بتوان درباره مدیریت یادگیری کار متفاوتی انجام داد، چه باید کرد؟ این موضوع را طی سه مقاله بررسی کرده ایم. در این شماره، درباره مفهوم یادگیری، یادگیری فطری و یادگیری آگاهانه (عمدی) بحث می کنیم و در شماره های آینده، نوع مدیریت یادگیری، چگونه به یادگیری کمک کنیم؟ انتخاب راهبردهایی برای مدیریت یادگیری و ... را توضیح خواهیم داد.

### کلیدواژه ها

خودپروری یادگیری، یادگیری فطری، یادگیری آگاهانه، فطرت گرایی، تجربه گرایی، تقلید / تداعی معانی، حل مسئله.

# مدیریت یادگیری خودپروری در یادگیری

## یادگیری چیست؟

یادگیری، ایجاد تغییر نسبتاً پایدار است. یادگیری یعنی آنچه می دانیم و درک می کنیم و می توانیم انجام بدهیم؛ هر آنچه که دوست داریم و دوست نداریم، و همه آنچه که ما را می سازد. هنگام تفکر درباره یادگیری، بحث های روان شناسی پیرامون فطرت گرایی و تجربه گرایی چندان نتیجه نمی دهند. بدیهی است بعضی از توانایی های یادگیری ارثی هستند. گاهی اوقات، عامل وراثتی در یادگیری مهم تر از عوامل دیگر در نظر گرفته می شود یا حتی مهم ترین جایگاه را دارد. در مواقع دیگر، ممکن است تجربیات خاصی که ما را قادر به یادگیری می کنند برجسته تر باشند. نوع توجه والدین و مراقبان به کودکان و جوانان در منزل و نیز توجه گروه معلمان در مدرسه به دانش آموزان است که می تواند

موقعیت هایی را فراهم آورد تا در آن جا یادگیری شکوفا شود.

## نظریه فطرت گرایی در برابر تجربه گرایی

با توجه به مباحث فطرت گرایی در برابر تجربه گرایی، فراگیری صحبت کردن به وضوح نشان می دهد که هم آنچه که ما با آن متولد شده ایم و یا ژنتیکی به ارث برده ایم، و هم آنچه که از طریق حمایت والدین و مراقبان در محیط کسب کرده ایم، سهمی را در یادگیری ایفا می کنند. از آن جا که تمام نوزدان از زمان تولد صداهای مشابهی از خود در می آورند، فرض بر این است که همه ما با قابلیت فراگیری زبان متولد می شویم. همه نوزادان صداهای یک شکل از خود در می آورند که به طور کلی بزرگسالان به سختی معنی آن ها را تشخیص می دهند. هرچند

واقعاً دوست دارند به صدایشان گوش دهند و به آن ها توجه کنند. به نقل از بی<sup>۲</sup> و بوید<sup>۳</sup> (۲۰۰۴)، حتی نوزادان ناشنوا از دستانشان برای ادای صداهای کودکان استفاده می کنند. این می تواند در موضع فطرت گراها یک مدرک باشد. با این حال، این حقیقت که ما یاد می گیریم به زبان بومی خودمان صحبت کنیم، در موضع تجربه گراها مدرکی به حساب می آید. آن ها می گویند اگر ما در جایی که به زبان ترکی صحبت می کنند بزرگ شویم، اولین زبان ما ترکی خواهد شد.

مانند خیلی از یادگرفتنی هایی که در خانه می آموزیم، نوزادان بدون آن که بخواهند، صحبت کردن را از طریق کودکان دیگر یا والدین و مراقبان فرا می گیرند. نوزاد صدای کودکان در می آورد و مراقب او آن صدا را باز می گرداند؛ مثلاً کودک



می‌گوید ب، ب، شنونده جواب می‌دهد بابا. این موضوع تجربه مفیدی برای هر دو طرف به نظر می‌رسد. به طور کلی، کودک یاد می‌گیرد صحبت کند، بنشیند، راه برود، بدود، خودش غذا بخورد و خیلی کارهای دیگر، بدون این که به کمک زیادی نیاز داشته باشد. این یادگیری فطری یا ذاتی است. وقتی ما آموزش به کودکان را شروع می‌کنیم یا وقتی کسی چیزی را برای یادگیری انتخاب می‌کند، این یادگیری آگاهانه است [فاکس، ۲۰۰۵].

خارج از خانه، در مدرسه، معمولاً یادگیری از ذاتی بودن به نوع دیگری تغییر می‌یابد که به تلاش بیشتری نیاز دارد؛ همان‌گونه که یادگیری نوشتن نسبت به یادگیری صحبت کردن، تلاش بیشتری را می‌طلبد. این‌گونه یادگیری آگاهانه است. در زندگی، وقتی انتخاب می‌کنیم که یاد بگیریم، می‌دانیم که تلاش لازمه آن است. البته می‌دانیم هر کاری را که برای یادگیری انجام می‌دهیم، نه همیشه مورد علاقه ماست و نه آسان است.

**یادگیری ذاتی همواره جوشش زیرسطحی دارد.** توجه به این یادگیری را نمی‌توان متوقف کرد. یادگیری ذاتی به طرق متفاوتی اتفاق می‌افتد که عبارت‌اند از:

● ما به ورودی‌های حسی مورد نیازمان بیشتر توجه می‌کنیم؛ آن‌ها را یاد می‌گیریم و از موارد دیگر صرف‌نظر می‌کنیم. هوشمندی حسی و ادراکی ما، آن‌چه را که برای یک نفر رسا و جالب به نظر می‌رسد، برای دیگری عادی معنی می‌کند. این یادگیری ادراکی و از روی نهاد ژنتیکی است.

● ما در زندگی روزمره برای

یادگیری از تقلید استفاده می‌کنیم. هر تازه کار، دقیقاً از شیوه صحبت رهبر گروه تقلید می‌کند و با گویش و لحنی که کاملاً متفاوت از صدای خودش است، صحبت می‌کند. به جوانان نگاه کنید و ببینید که از نظر پوشش و شیوه گفتار چگونه به انواع متفاوت از یکدیگر تقلید می‌کنند.

● ما در سراسر زندگی برای یادگیری از «تداعی معانی» استفاده می‌کنیم. حتی وقتی کودکی برای بیرون رفتن از شما می‌خواهد کفش‌هایتان را بپوشید تا او را به پارک ببرید، برای او پوشیدن کفش به معنای پارک رفتن تداعی می‌شود. کودکان خیلی زود تداعی معانی بین کلمات را درک می‌کنند.

● ما برای این‌که مشکلات را حل کنیم، همه راه‌ها را امتحان می‌کنیم تا ببینیم کدام راه مناسب خودمان است. وقتی کودکی در می‌یابد که با بستن سه طناب به سه تا از ماشین‌هایش، می‌تواند هر سه‌تای آن‌ها را در یک زمان راه ببرد، مشکلش را به طور خیلی غیررسمی حل کرده است. کودکان در بازی همیشه مشکلاتشان را حل می‌کنند. این کار در دوره بزرگسالی هم ادامه می‌یابد. همه ما با استفاده از یادگیری مشاهده‌ای، می‌کوشیم تا مشکلات را حل کنیم. چند نفر از ما تا به حال برای سرهم کردن قطعات وسیله‌ای، با نگاه جدید روی نمودار راهنمای آن تعمق کرده‌ایم؟ در مدرسه، حل مسائل مشاهده‌ای می‌تواند به یادگیری ناقص منجر شود. این یکی از دلایلی است که برای بررسی چگونه به جواب رسیدن دانش آموز حائز اهمیت است، نه فقط رسیدن به جواب درست یا غلط (فطرت،

سرشت).

● ما غالباً فقط می‌دانیم چه کار باید بکنیم: چگونه دوست پیدا کنیم، چگونه کودک مضطرب را آرام کنیم، چه وقت با افراد برخورد کنیم، چگونه یک سوزن را نخ کنیم یا چگونه توپ را به نقطه‌ی درستی بزنیم. ما همه از یادگیری مشاهده‌ای خود استفاده می‌کنیم و آن‌چه را که به طور طبیعی برای خودمان پیش می‌آید، انجام می‌دهیم.

یادگیری آگاهانه هم‌چنین در منزل صورت می‌گیرد، مثل آداب و رسوم خانواده، عادات و شیوه‌های انجام کارها که دقیقاً از طریق والدین و مراقبان به کودکان منتقل می‌شود. کودکان هم می‌توانند از بزرگ‌ترها کمک بگیرند و نوع تعهدشان را در یادگیری آگاهانه انتخاب کنند.

**آلیس** به تازگی تشخیص ساعت را یاد گرفته است. او برای این کار حدود هفت هفته کار کرده و مشتاق است که یاد بگیرد. فقط به خاطر این که برادر او، از گفتن وقت به او خسته شده است و تعدادی از دوستانش هم ساعت را بلد بودند. پدر و مادر آلیس به او قول داده‌اند که وقتی ساعت را یاد بگیرد، برایش یک ساعت مچی بخرند. آن‌ها با دادن اطمینان بیشتر، به او کمک کردند.

او عقربه‌های ساعت را هنگام رفتن به مدرسه، غذا خوردن و رفتن به رخت‌خواب می‌دید. آن‌چه که به نظر آلیس فرق داشت، دقت روی زمانی بود که برنامه مورد علاقه‌اش را در تلویزیون پی‌گیری می‌کرد. آن زمان را با ساعت مطابقت می‌داد تا ببیند ساعت چه زمانی را نشان می‌دهد.

## نوع توجه والدین به کودکان در منزل، و معلمان در مدرسه، می‌تواند موقعیت‌هایی را برای شکوفایی یادگیری فراهم آورد

### پی‌نوشت

1. Overall Lyn
2. Bee
3. Boyd

### منبع

Loveless, T. (2006). How well are students Supporting Children's Learning: A Guide for Teaching Assistants/Overall Lyn.- Sage, 2007.